

او نوشته که بحرین بخشی از خاک ایران بوده که در جریان یک زد و بند غیرقانونی میان شاه معدوم و دولت‌های آمریکا و انگلیس از ایران جدا شده است.

حسین شریعتمداری، مدیرمسئول کیهان نوشت:



کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس- عربستان، کویت، امارات عربی متحده، بحرین، قطر و عمان- که سابقه تشکیل هیچیک از آنها به ۱۰۰ سال نمی‌رسد به خوبی از حاکمیت قطعی ایران بر جزایر سه‌گانه و اسناد این حاکمیت بلامنازع باخبرند و حتی در دورترین افق‌های ذهن خویش هم نمی‌توانند تصور روزی را داشته باشند که این حاکمیت کمترین خدشه‌ای پیدا کند بنابراین انگیزه آنها از تکرار این ادعای واهی و بی اساس هرچه باشد احتمال خروج این سه جزیره از حاکمیت ایران نیست. پس ماجرا چیست؟

به گزارش اسپادانا خبر، حسین شریعتمداری، مدیرمسئول کیهان در یادداشتی با عنوان **"آواز کوچه باغی"** در خبرگزاری فارس نوشته است:

«آواز کوچه باغی» اصطلاح شناخته شده‌ای در فرهنگ قدیم تهران است و در مواردی به صورت ضرب المثل درآمده است. به گفته قدیمی‌ترها- که امروزه تعدادشان زیاد نیست- در آن سال‌های نه چندان دور که تهران شهر خلوتی بود و پاسی از شب گذشته، سکوت همه جا را فرا می‌گرفت افرادی که به هر علت ناچار بودند در ساعات پایانی شب از کوچه‌های تاریک و خلوت عبور کنند و احياناً از تاریکی و خلوتی می‌ترسیدند برای غلبه بر ترس با صدای بلند زیر آواز می‌زدند. این آوازه‌ها به آواز کوچه باغی معروف بود- یا یکی از انواع آوازه‌های کوچه باغی بود- و هنگامی که صدای عابری به این آواز بلند می‌شد و چهچه پایانی آن با کلماتی مانند حییی من... عزیز من... امان امان و... در فضا می‌پیچید برخی از اهالی محل که دل و دماغ بیشتری داشتند و انگیزه رهگذر آوازه خوان را می‌شناختند سر از پنجره بیرون می‌آوردند و با جملاتی نظیر دمت گرم!... دارمت! و... با او همراهی می‌کردند یعنی این که ترس! خوف نکن! ما بیداریم...

پنج شنبه هفته گذشته وزرای خارجه، دفاع و امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در پایان اجلاس سه روزه خود در ریاض، بار دیگر- و به روال چند ساله اخیر- با صدور بیانیه‌ای از ادعای مالکیت امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی حمایت کردند و از جمهوری اسلامی ایران خواستند از طریق مذاکره به اختلافات موجود درباره مالکیت این سه جزیره پایان دهد! کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس- عربستان، کویت، امارات عربی متحده، بحرین، قطر و عمان- که سابقه تشکیل هیچیک از آنها به ۱۰۰ سال نمی‌رسد به خوبی از حاکمیت قطعی ایران بر جزایر سه‌گانه و اسناد این حاکمیت بلامنازع باخبرند و حتی در دورترین افق‌های ذهن خویش هم نمی‌توانند تصور روزی را داشته باشند که این حاکمیت کمترین خدشه‌ای پیدا کند بنابراین انگیزه آنها از تکرار این ادعای واهی و بی اساس هرچه باشد احتمال خروج این سه جزیره از حاکمیت ایران نیست. پس ماجرا چیست؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید به اسنادی که حاکمیت قطعی ایران بر جزایر سه‌گانه را نشان می‌دهد اشاره کرد؛

۱- علاوه بر نقشه‌های متعددی که از دوران یونان باستان - قبل از میلاد مسیح- برجای مانده و در آنها از تمامی جزایر خلیج فارس با عنوان بخشی از سرزمین ایران یاد شده است در سده‌های اخیر نیز تمامی نقشه‌های رسمی که از سوی کشورهای نظیر انگلستان، فرانسه، روسیه، پرتغال، اسپانیا و... تهیه شده و به عنوان اسناد رسمی نگهداری می‌شوند، جزایر خلیج فارس- از

جمله سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی- را بخشی از خاک ایران دانسته‌اند. از جمله دولت انگلیس که بیش از دو سده در منطقه حضور داشته و در مواردی نیز با دولت‌های وقت ایران درگیر بوده است. در مجموع ۲۳ نقشه رسمی از منطقه تهیه کرده که در تمامی آنها- بدون استثناء- جزایر سه‌گانه متعلق به ایران است.

۲- در سال ۱۸۳۰ کاپیتان جیبیبروکس GBBRUCKS از سوی کمپانی هند شرقی- وابسته به دولت استعماری انگلیس- نقشه‌ای رنگی از خلیج فارس تهیه می‌کند. در این نقشه رنگی که نسخه‌هایی از آن در وزارت خارجه انگلیس و مخزن اسناد سازمان ملل متحد نگهداری می‌شود ۳ جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی به رنگ خاک ایران ترسیم شده است. کاپیتان بروکس نزدیک به ۱۲ سال برای تهیه این نقشه در منطقه خلیج فارس بود.

۳- در سال ۱۸۳۵ «ساموئل هنل» از سوی دولت انگلیس مأمور تعیین حدود کشورهای در خلیج فارس می‌شود. هنل در نقشه خود یک خط فرضی در آبهای خلیج فارس ترسیم می‌کند که جزایر سه‌گانه در قسمت فوقانی- شمالی- این خط فرضی قرار داشته و متعلق به ایران دانسته شده است.

۴- در ژانویه سال بعد- ۱۸۳۶- سرگرد «موریسن» جانشین ساموئل هنل، مأموریت او را پی می‌گیرد و پس از مذاکره با شیوخ خلیج فارس نقشه‌ای که به تأیید آنها رسیده بود را تهیه می‌کند. در این نقشه جزایر سه‌گانه در عمق بیشتری از قلمرو ایران قرار گرفته است.

۵- در سال ۱۸۸۱ نیروی دریایی انگلیس بار دیگر نقشه‌ای از منطقه خلیج فارس تهیه می‌کند که در آن جزایر سه‌گانه و خاک ایران رنگ مشترکی دارند.

۶- در سال ۱۸۸۶ دایره اطلاعات دولت انگلیس نقشه ایران را با رنگ یکسان جزایر و خاک ایران تهیه کرده و در ۱۲ ژوئن همان سال این نقشه از سوی وزیر مختار انگلیس در تهران به ناصرالدین شاه تحویل می‌شود.

۷- در سال ۱۹۰۸ دولت ایران امتیاز استخراج خاک سرخ-سنگ آهن- ابوموسی را به ونگهاوس آلمانی می‌دهد که دولت انگلیس به دلیل تیرگی روابط خود با آلمان به ایران اعتراض می‌کند، دولت انگلیس در اعتراض خود خواهان کسب امتیاز استخراج خاک سرخ برای شرکت‌های انگلیسی است یعنی تأکید بر حاکمیت ایران... و از ده‌ها سند دیگر از جمله احکامی که دولت‌های وقت ایران برای انتصاب حکام- استانداران- خود در بندرلنگه- که شبه جزیره یاد شده بخشی از آن بوده است- صرف نظر می‌کنیم.

۸- اصلی‌ترین- و تنهاترین- سندی که امارات برای اثبات ادعای خود ارائه می‌کند نامه‌ای است که شیخ یوسف فرماندار ایرانی بندرلنگه در سال ۱۸۸۲ به شیخ حمید القاسمی حاکم رأس الخیمه می‌نویسد و در آن به عنوان تعارف و ابراز ادب- که آن هنگام بسیار متداول بوده و در بسیاری از نامه‌های مشابه دیده می‌شود- نوشته بود؛ ابوموسی از آن شماسست (در خدمت شما هستیم!)

نکته درخور توجه این که شیخ یوسف در ادامه همین نامه خطاب به حاکم رأس الخیمه می‌نویسد «بلد لنجه بلدکم» یعنی شهر بندرلنگه هم شهر شماسست و عجیب آن که اماراتی‌ها وقتی به این نامه استناد می‌کنند جمله اخیر را که به وضوح نشان می‌دهد جمله قبلی فقط یک تعارف بوده است، حذف می‌کنند!

شریعتمداری نوشته است:

در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، همراهی بحرین با سایر کشورهای عضو حساب جداگانه‌ای دارد زیرا بحرین بخشی از خاک ایران بوده است که در جریان یک زد و بند غیرقانونی میان شاه معدوم و دولت‌های آمریکا و انگلیس از ایران جدا شده است و امروزه اصلی‌ترین خواسته مردم بحرین بازگشت این استان جدا شده از ایران به سرزمین اصلی و مادری آن، یعنی ایران اسلامی است و بدیهی است که این حق مسلم ایران و مردم استان جدا شده آن نباید و نمی‌تواند نادیده گرفته شود.

[1] برجسب ها: تاریخ

[2] خاورمیانه

[3] حسین شریعتمداری